

رمز موفقیت او را در همین چند خصلت یافتیم. بی توقع کار می کند. با پشتکار افکار و ایده هایش را پی گیری می کند. با اراده تصمیم می گیرد و چون برای مردم و جوانان کار می کند مغرور نمی شود و تواضع دلنشین او همه را با خود همراه می کند. در یک کلام، مردم در او صداقت می بینند. آیت های خدا را در آسمان پیدا می کند و به مردم نشان می دهد تا راه خدا و خانه خدا را پیدا کنند و به او نزدیک شوند. خداوند هم او را کمک می کند.

او از راه معلمی در یک مدرسه در سعادت شهر روزگار می گذراند. در منزل با جدیت تمام از یک مادر پیر و سال خورده نگه داری و پذیرایی می کند. با کسی از زمینیان از دواج نکرده و در آسمان به دنبال محبوب خود است. اما مردم شهر بویژه جوانان، با او همراهی می کنند و به او شوق زندگی می بخشند؛ یک زندگی ساده ولی علمی و حقیقت جو.

کبیری در منزلش از ما پذیرایی کرد و ما را به محل رصدخانه ای که به کمک اهالی شهر، با دست هایش ساخته است، برد. از طریق، جاده ای خاکی که با بیل و کلنگ اهالی، از پایین تپه به بالا کشیده شده است. ناگفته نماند، آموزش و پرورش، روحانیت شهر، شورای شهر، حتی انجمن فیزیک ایران، یاریش می کنند و او یک تنه زمینه خدمت رسانی آنان را برای جوانان شهر فراهم ساخته است. جوانانی که در شهر دیپلم گرفته اند و الان در شیراز و تهران دانشجو شده اند، تنهاش نگذاشته اند؛ به شکل های گوناگون یادش می کنند و یاریش می رسانند.

اصغر کبیری که عمرش دراز باد، در آینده می تواند ادعا کند که در جوانی توانسته است درهای آسمان و زیبایی هایش را برای مردم شهر و دیارش باز کند و هر کس را به حد انگیزه و تلاشش از این نعمت های خداوندی بهره مند سازد. بله، اگر ما توانیم به آسمان پرواز کنیم و به ستارگان خدا نزدیک شویم، ولی می توانیم بعضی از آن ها را به زمین خود فرود آوریم. آنچه در ادامه می خوانید متن گفت و گوی من با آقای اصغر کبیری است که در ۲۸ مهر ماه ۸۹ در مدرسه شهید حسین پور سعادت شهر انجام شد.

در ۱۲۰ کیلومتری شمال شرق شیراز به شهری می رسم که هنوز چشم اندازهای روستایی آن هم چون باغات و مزارع و هوای پاک، بیشتر جلب توجه می کند. شب ها آسمانش به زمین نزدیک تر است و ستاره هایش قابل رؤیت. ۴۰ سال پیش، همین آسمان پرستاره و وسوسه انگیز، دل و روح کودک را به سوی خود کشید و ستاره های صورت فلکی دب اکبر چشمان او را خیره کرد. هرگاه توجه و دقت آدمی به چیزی مستمر باشد و با پشتکار به دنبال دستیابی به آن برود، یقیناً موفقیت در پی خواهد آمد. بله، اصغر کبیری، کودک ۴۰ سال پیش و معلم دل سوز امروز، به همراه خود چشم ها و دل های اهالی سعادت شهر را نیز به سوی آسمان کشیده است: به یکباره می بینی بر در و دیوار شهر، اطلاعاتی و عده «دیدار با آسمان» نقش بسته است. امام جمعه در خطبه های نماز جمعه مردم را به شب موعود آسمانی فرا می خواند. گروه های جوان و نوجوان در مدارس و محله ها به دنبال اطلاعات بیشتر هستند و... گویی همه شهر برای این دیدار آسمانی بسیج شده اند.

در شب موعود برق شهر قطع می شود و آسمان پرجذبه تر خود را به رخ می کشد. دوربین ها و چشم ها به آسمان دوخته می شوند و یک معلم، این چشمان مشتاق را به تماشای باغ ستاره ها می برد. این شهر با این همت، از چشم آسمان شناسان خارج از مرزهای کشور نیز غافل نمانده است. گروه هایی از گوشه و کنار جهان به دیدار شهر و معلم آن روانه می شوند و اخبار آن ها در پایگاه های اینترنتی و مجلات علمی نجومی جهان پخش می شود.

برای من که خود نیز از دوست داران آسمان هستم، و همواره انگیزه های دارم که چنین معلمان پر شور و بی ادعایی را از نزدیک ببینم. با هماهنگی قبلی و صحبت های تلفنی، پس از آن که با معلمان دوره های ابتدایی و راهنمایی ناحیه چهار شیراز جلسات آموزشی داشتیم، به سوی سعادت شهر روانه شدم. چند جلدی هم از کتاب تألیفی خود (شناخت مبانی نجوم) به همراه چند سی دی برده بودم تا به ایشان هدیه کنم. غافل از آن که با عده ای از نوجوانان و شاگردان آقای اصغر کبیری رو به رو خواهم شد که آمده اند مؤلف کتاب مذکور را ببینند. دیدم در دست هر یک از آن ها کتاب مبانی نجوم قرار دارد. متوجه شدم آسمانیان قبل از آن که روی زمین یکدیگر را ببینند، در آسمان همدیگر را پیدا کرده اند. اصغر کبیری معلمی است آرام، با اراده، با پشتکار و متواضع.



خرس در آسمان!

منصور ملک عباسی



اصغر کبیری

در آن سال‌های
کودکی، برای من
خیلی عجیب بود
که چرا خرس در
آسمان است! و
کنجاوی‌هایم برای
دیدن این خرس‌ها
بیشتر شد

رسم است که ساکنان
این شهر، هر مهمانی
را که از راه دور
می‌آید، یک‌شب
برای رصد دعوت
می‌کنند

اصغر کبیری و
منصور ملک‌عباسی
در جمع دانش‌آموزان
علاقه‌مند به نجوم

نوشتم و از انجمن خواستم تلسکوپ و وسایلی برای ساخت رصدخانه‌ای در سعادت‌شهر در اختیار ما قرار دهد. کار را پی‌گیری کردم و خوشبختانه موفق شدم. چون در اوایل سال ۶۸، آقای دکتر رضا منصوری، رییس انجمن فیزیک ایران، به سعادت‌شهر آمدند و تلسکوپ ۴ اینچی برای ما آوردند. این تلسکوپ کمک بسیاری به ما کرد. بعد از آن، ایشان همواره کتاب‌هایی را در این زمینه برای ما می‌فرستادند و بسیار مشوق من بودند. همان روزها از انتشار مجله‌ای درباره نجوم برای دانش‌آموزان صحبت بود. بالاخره در سال ۱۳۷۰ اولین شماره مجله چاپ شد و در شهر ما حدود ۸۰ نفر مشترک آن شدند.

• رصدخانه سعادت‌شهر را چه وقت و چگونه تأسیس کردید؟

من در شرکت مخابرات مرودشت کار می‌کردم، ولی در اواخر سال ۷۰ استعفا دادم و وارد آموزش و پرورش شدم. با کمک آموزش و پرورش در سعادت‌شهر رصدخانه‌ای ساختم و خودم آموزش نجوم را شروع کردم. ابتدا استقبال زیادی از رصدخانه شد. کم‌کم گروه‌های دانش‌آموزی آمدند و کلاس‌های نجومی خارج از مدرسه تشکیل شد؛ البته کاملاً رایگان. قبل از سال ۱۳۷۲ طی مکاتبات و درخواست از وزیر آموزش و پرورش، بالاخره تلسکوپ ۱۱ اینچی را به سعادت‌شهر آوردیم. از این تلسکوپ در حیاط اداره آموزش و پرورش استفاده‌های زیادی می‌شد. به خصوص برای رصد بارش‌های شهابی، کاربرد زیادی داشت. خیلی از شب‌ها، خود دانش‌آموزان تا نیمه‌های شب می‌ماندند تا در اوج بارش شهاب‌ها، آسمان را نظاره کنند.

چون تلسکوپ ما جای مشخصی نداشت. در سال ۷۳ با کمک‌های مردمی، ساختمان دائمی رصدخانه را ساختم؛ به همت مردم، جاده‌ای هم به طول یک کیلومتر تا رصدخانه کشیدیم و درخت کاری کردیم.

• آن‌چه در باره سوغاتی شهر شما شنیده‌ایم، صحت دارد؟

بله. سوغاتی شهر سعادت‌شهر رصد کردن است. رسم است که ساکنان این شهر، هر مهمانی را که از راه دور می‌آید، یک شب برای رصد دعوت می‌کنند. تفریح بسیار لذت بخش و جالبی است.

• آقای کبیری لطفاً برای ما از سوابق و فعالیت‌های نجومی‌تان بگویید.

من از همان دوره ابتدایی به نجوم علاقه‌مند شدم. چون در کتاب علوم، مطالبی در مورد دب‌اکبر، خرس کوچک و خرس بزرگ می‌خواندم. در آن سال‌های کودکی، برای من خیلی عجیب بود که چرا خرس در آسمان است! و کنجاوی‌هایم برای دیدن این خرس‌ها بیشتر شد. مثلاً شب‌ها که در حیاط خانه دراز می‌کشیدم تا بخوابم، ذره بین را جلوی ماه می‌گرفتم تا بتوانم آن را در عدسی ببینم.

یک بار هم پسر عمویم چند کتاب درباره ستاره‌ها و صورت‌های فلکی به من هدیه کرد و در پاسخ به سؤال‌هایم، درباره رصدخانه و رصد کردن ستاره‌ها و سیاره‌ها توضیحاتی داد.

سال سوم راهنمایی، از معلوم علوم مدرسه خواستم یک مجموعه آینه و عدسی در اختیارم بگذارد که توانستم با آن‌ها یک تلسکوپ بسازم.

با گذشت زمان، به فکر ساختن تلسکوپ قوی‌تر افتادم و یک عدسی ساختم که فاصله کانونی آن تقریباً یک متر و نیم بود. زمان گذشت تا سال ۱۳۸۱ که برادر بزرگ‌ترم در عملیات محرم شهید شد. این اتفاق ضربه روحی بزرگی بر من بود. آن موقع، تنها چیزی که باعث آرامشم می‌شد، نگاه کردن به آسمان و گردش در ستاره‌ها بود. در ضمن برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر، مقاله‌هایی را که درباره علم نجوم بود، جمع‌آوری می‌کردم.

به دبیرستان که رفتم، یک تلسکوپ لوله بلند ساختم، اما چون زمان جنگ بود، جرئت نمی‌کردم در هر جایی از آن استفاده کنم. تلسکوپم را داخل گونی می‌گذاشتم و به بالای تپه‌ای می‌رفتم تا آسمان را ببینم. به همین صورت، به مرور زمان علاقه به فضا و نجوم در من بیشتر و بیشتر شد. با چند نفر از دوستانم قراردادی نوشتیم برای تشکیل گروه نجوم مسئولیت و وظایف هر فرد را نوشتیم و قرارداد را امضا کردیم. چند سال بعد، حدود سال ۶۷، بعد از گرفتن مدرک دیپلم، هر کسی شغلی پیدا کرد و رفت. تنها کسی که در این زمینه فعالیت خود را ادامه داد، من بودم. همان سال برای رصد در رصدخانه ابوریحان بیرونی به شیراز رفتم. به عنوان یک تجربه، شب خوب و شیرینی را در رصدخانه گذراندم.

اواخر سال ۶۷، طوماری از امضا برای انجمن فیزیک ایران





نمایی از
سعادت شهر

یک دوره تئوری در مدرسه برگزار می‌شود که در کنار آموزش، فعالیت‌های رصدی هم داریم. دانش‌آموزان ما سرمایه شب را در کوه و دشت برای کسب مهارت در زمینه نجوم، به جان می‌خورند. از شهرهایی مانند مرو دشت و شیراز نیز گروه‌های دانش‌آموزی داریم.

• چگونه اطلاع‌رسانی می‌کنید؟

در مواقعی که پدیده‌ای خاص در پیش باشد، مانند ماه‌گرفتگی، با پخش اطلاعیه‌هایی در سطح شهر، مردم را مطلع می‌کنیم و نیز افرادی از انجمن، مردم شهرهای اطراف را آگاه می‌کنند. در شب‌هایی که موضوع مهمی را در آسمان رصد می‌کنیم، برق شهر با هماهنگی قبلی قطع می‌شود تا بهتر بتوان به آسمان نگاه کرد. ما در این سال‌ها افرادی را از کشورهای دیگر برای بازدید داشته‌ایم. برای مثال، منجم مسنی از کشور فنلاند به شهر ما آمد و از تجربه‌های خود برای دانش‌آموزان ما گفت. افرادی دیگر هم آمدند که بعضی از آن‌ها ایده‌هایی نو و کارآمد برای ساخت تلسکوپ داشتند. جالب توجه است که چند سال پیش، کارهای ما در زمینه نجوم مورد توجه یک فیلم‌ساز دانمارکی قرار گرفت و او طی سفری که سال گذشته به سعادت شهر داشت، فیلم کوتاهی از فعالیت‌های ما تهیه کرد. همین فیلم، زمینه ساز یک فیلم مستند شده است و گروه آن‌ها آبان ماه برای تهیه فیلم به این جا آمدند.

• می‌شود یک خاطره برای ما تعریف کنید.

شب یکی از روزهایی که قرار بود رصدی مهم انجام دهیم، در حیاط منزل مشغول رصد بودیم که خانمی، پسران پسران به منزل ما رسید. می‌گفت، من به نجوم علاقه بسیاری دارم. شب‌های تابستان سجاده‌ام را در حیاط پهن می‌کنم و نماز می‌خوانم و ستاره‌ها را تماشا می‌کنم، اما مطلب زیادی درباره آن نمی‌دانم. من هم چند دقیقه‌ای درباره چند ستاره و خورشید برای او گفتم. کم‌کم اشک از چشمانش جاری شد. برای او درباره ارتباط بین آیات قرآن در نجوم صحبت کردم. این سخنان بسیار تأثیرگذار بودند و زمینه‌ساز فعالیت او در زمینه نجوم شد. مطلع شدم سال بعد در ماراتون «مسیر ایران» شرکت کرده و در حال حاضر نیز پی‌گیر نجوم است. حقیقتاً نجوم با خدانشناسی ارتباط مستقیم دارد.

در این چند سال، چند سمینار نجوم هم برگزار کرده‌ایم که به راستی آموزش و پرورش و شورای شهر همکاری‌های خوبی در برگزاری آن‌ها داشتند. در همه سمینارها دکتر منصوری و در بعضی دکتر ریاضی شرکت داشتند.

البته در حال حاضر مشکلی داریم و آن این که شهر نسبت به گذشته بزرگ شده و رصدخانه در محاصره نور است. حتی شهرک‌هایی هم که اطراف شهر ساخته شده‌اند، مشکلاتی را برای رصدخانه به دنبال داشته‌اند. به همین دلیل، ما رصدهای عمومی را در همین جا، اما رصدهای مهم‌تر را در ده تا ۱۵ کیلومتری خارج از شهر انجام می‌دهیم.

• تجهیزات رصدخانه شما چیست؟

ما در حال حاضر دو تلسکوپ ۱۱ اینچی و ۱۴ اینچی و یک دوربین دو چشمی داریم که دوربین را یک گروه آماتور نجوم از آمریکا در سال ۸۳ به ما هدیه کرده‌اند. استقبال مردم از گردشگران خارجی که برای رصد گذر زهره آمده بودند، بسیار گرم و صمیمی بود و مهمان‌ها بسیار تحت تأثیر قرار گرفتند.

• درباره دریافت اولین جایزه ترویج علم بگویید.

در سال ۸۰ اولین گردهمایی منجمان آماتور سراسر کشور را با پشتیبانی شورای شهر به مدت سه روز برگزار کردیم. شورای شهر و شهرداری همواره در تمامی زمینه‌ها حامی ما بودند. انعکاس این گردهمایی در رسانه‌ها باعث شد که سعادت شهر و گروه نجومی ما بیشتر شناخته شوند. ما یکی از فعال‌ترین گروه‌ها بودیم و گزارش‌هایی را برای چاپ در مجله نجوم می‌فرستادیم تا این که در سال ۸۴، روش‌هایی را برای ترویج نجوم ارائه دادیم که باعث شد سال ۸۵ نیز گروهی کارآموز آماتور سرشناس از خارج از کشور، برای بازدید به شهر ما آمدند. این خبر در مجله‌های خارجی نیز منعکس شد.

دانش‌آموزان ما چند مرتبه در مسابقات سراسری نجوم مقام آورده‌اند. هم چنین در «ماراتون مسیر ایران»، سه سال مقام اول کسب کرده‌اند. چند سال پی‌پی نیز شاگردان ما به عنوان داور کشوری و دو نفر به عنوان داور بین‌المللی ماراتون انتخاب شدند.

• آموزش‌های شما عمدتاً به صورت رصد است یا به صورت تئوری؟



البته در حال حاضر مشکلی داریم و آن این که شهر نسبت به گذشته بزرگ شده و رصدخانه در محاصره نور است

چند سال پیش، کارهای ما در زمینه نجوم مورد توجه یک فیلم‌ساز دانمارکی قرار گرفت و او طی سفری که سال گذشته به سعادت شهر داشت، فیلم کوتاهی از فعالیت‌های ما تهیه کرد

